

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire - Political

طنز - سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۲۶ جون ۲۰۱۵

شیشک پیش کشیش رقصاندن کلمات

خواننده گرامی که چند پیراهن بیشتر کهنه کرده و مکتبیده کابل است، وقتی به عنوان مینگرد و پنج حرف "شین" و شش حرف بیگانه از "شین" را مییابد، حتماً قصه "کُشتمشیشیشششششششش" را به خاطر خواهد آورد، که بچه های شوخ و شغب، سر تخته مینوشتند، تا "مالم صایب" بخواند و بخندد و یا هم نخندد و به قهر و غضب بیوندد.

و چه عجب که "شیشک" و "کشیش" مقلوب همد؛ و عجبر که :

شیشک پیش کشیش بیاید!!!

در آشپزخانه مصروف "دیگچه پزانی" بودم - گوشها مصروف شنیدن بود و مغز مشغول جهانپیمانیها، جهانپیمانیهای سرگردان. از یک سمت صدای گوشنواز فاخته به گوش میرسید، که "کوکوزنان" بر شاخسار^۱ نشسته بود. و از سمت دیگر صدای تلویزیون یک المان شنیده میشد، که میگفت:

«میهمانی عالیجاه و علیامرتبه بر ساحل آرام شپری»^۲.

^۱ - در روایات عامیانه کابلی آمده است، که زنی که چل روز تخت "ناپاک" بماند؛ یعنی بعد از مقاربت جنسی و یا دیدن حیض و نفاس غسل شرعی نکند، به "شیشک" مبدل میشود. و "شیشک" یعنی "مادر آل" و به حساب اروپائی آن چیزی نظیر "دراکولا"، اما از جنس زن!!!

^۲ - فکر کنم که در صنف سوم یا چارم بودیم، که در مضمون "قرائت فارسی" عنوان "بهار" و "بخوان بخوان بلبلک" جلوه میفروخت. ضمن پارچه شعری از مرحوم محمد آصف مایل با عنوان فوق این ابیات نوشته بود:

بخوان بخوان بلبلک، فصل بهاران رسید

...

غچی و پروانه شد، زنده به بوی بهار
کوکوزنان فاخته، نشسته بر شاخسار
به شاخ سرو بلند، ناله کند زار زار
تو هم بدو پشت کار، ای پسر هوشیار

^۳ - "شپری" Spree کانال و آبراهه ای ست مصنوعی، که برلین را دو شق میکند و از قلب برلین و از کنار "رایشستاگ" Reichstag قدیمی - پارلمان المان امپراتوری - و "بوندستاگ" Bundestag کنونی - پارلمان المان فدرال - میگذرد. در تعاملات زبان المانی، کشورها و شهرها را بر اساس قرار داشتن در کنار دریائی و یا دربرگرفتن کوه و کوهستانی، علم میسازند. مثلاً افغانستان را - واقع در دامن هندوکش - نامند و تعدادی از ممالک امریکای لاتین را - واقع در دامن کوهستان "اندها" - دانند و یا یک فرانکفورت را - افتاده بر ساحل دریای "ماین" - نامند و فرانکفورت دیگر را - واقع در ساحل دریای "اودر" - به همین ترتیب برلین را - افتاده در ساحل آبراهه "شپری" علم میگردانند.

مرغکِ ذهن شروع کرد به "خاکپلک"، تا ترکیبی ساخت، مجسم از "گوک" و "شانه سَرَک"^۵:
 - یکی که هفتاد سال عمر "نوح" خود را در قصر "بکنگهم" Buckingham گذرانده و خود را بر اورنگ شاهی برتانیه "کبیر ثم صغیر" شرش کرده است؛ آن هم شرشِ کمانگری، که خطائی نداره!!!!!!
 - وانگری که در روزگار المان شرق، کشیش و وَاغَاظ دین مسیح بود و بعد از اتحاد دوباره المان، بر مسند و مصطفی ریاست جمهوری المان جلوس فرمود.

وقتی خواننده عزیز ترکیب "کبیر ثم صغیر" را از نظر میگذراند، شاید به نام نامی خداوندگار بلخ بامی، حضرت "مولانا جلال الدین محمد بلخی ثم رومی"، بیفتد. مولانا در جوشِ نوجوانی با پدرش - بهاء الدین ولد - یکجای از بلخ به قونیه کشید؛ درانجا بیود و آثار جاودان خود را از همانجا به عالم پهن کرد، تا بمرد و همدرانجا به خاک سپردندش؛ و مرقدش گشت زیارتگاه عام و خاص ترک و تتر و هندو و مسلمان و یهود و گیر و ترسا. افتخار مولانا اگر اولاً به بلخ بامی و افغانستان نامی میرسد، بعد به سرزمین ترکیه میرسد، که زمانی کتله مرکزی امپراتوری روم شرقی بود و پایتختش را قسطنطنیه Constantinople (استانبول کنونی) تشکیل میداد.

"برتانیه" که وقتی خود را "کبیر" میخواند و نیم عالم را زیر نگین و سلطه ددمنشانه و چپاولگرانه خود آورده بود، از برکت شمشیر بُران و آتش سوزان سرزمین "امپراتورکش" ما - افغانستان - "صغیر" گردید و "کبیر" گردید و "صغیر" گردید، تا به محدوده ناچیز و بی اهمیتِ امروزی رسید!!!

حالا شیشک به خانه کشیش آمده است؛ به مهمانی. این ششمین بار است، که شیشک رهسپار المان میشود و از قضاء این بار باریاب دربار کشیش میشود. اگر کسی بپرسد، که شیشک و کشیش وجوه مشترکی دارند، خواهد گفت؛ بسیار:
 علاوه ازین که:

- "کشیش" لفظاً "شیشک" است، منتها شیشک "چت شدگی" و "خویدگی" و "به تالاق زدگی"
 - و "کشیش" و "شیشک" به مانند "شش"، با خشت و گل "ش" خمیر شده اند،
 وجوه مشترک بسیار دیگر هم دارند، اگر باور ندارید، کلاه خود را پیش روی خود بگذارید و به فکر اندر شوید!!!

"مه فقط امقه میگم، و برتان نقل میئم، که انا کتی یکدگه بسیار زیات شبات دارن!!!!"،

کار کشف و دریافتش به دست خواننده عزیز و رموزفهم!!!!، که گفته اند:

کو حریف نکته سنجی،

که سخن نگفته باشی،

به سخن رسیده باشد؟؟؟

مگر اگر بدون اگر و مگر فرض کنیم، که کسی حرف "ش" را درست تلفظ کرده نمیتواند؛ مثلاً طفلکی که نو سر زبان آمده است و یا کسی که زبانش رگ شده و "ش" را "س" تلفظ میکند. در آن وقت قصه عنوان و بلکه تمام داستان مفت میشود؛ چون اگر در عوضِ شین "شیشک پیش کشیش"، سین بنویسیم، میشود:

سیسک پیش کسین

و این عبارتی ست، سخت سُست و - به فرموده استاد بزرگوار داکتر هاشمیان - "پُرپوک"!!!!
 خواننده گرامی اما حتماً پیش خود حدس زده میتواند، که چنین کسی "کُشتمشیشیشششششششش" را چه قسم خواهد خواند؟؟؟ آمین!!!

(خلیل الله معروفی - برلین، ۲۴ جون ۲۰۱۵)

^۴ - نام رئیس جمهور المان "گوک" (به فتح اول و سکون دوم) Gauck است، که افراد نابلد آن را "گوک" (به فتحین) تلفظ خواهند کرد، و "گوک" اصطلاح عامیانه کابلی ست و در معنای "حزون".
^۵ - "شانه سَرَک" اصطلاح زیبایی عامیانه کابلی و خصوصاً اصطلاح دیهکی و در معنای "هدهد" عربی ست، که در زبان عوام به "هتوتک" شهرت دارد.